

اللهم إلا أن يقال:

مشتق در ما نحن فيه عبارت است از:

«مفهومی که بر ذات جری می شود در حالیکه از ذات + مبدء انتزاع شده است» و لذا اضرار اگرچه بر ذات (ساختن) جری می شود ولی نه از آن جهت که «ساختن + اضرار» ملاحظه شده است. پس مصدر نمی تواند مطابق مشتق اصولی باشد.

لکن می گوئیم:

اگرچه مصدر مشتق اصولی - مطابق تعریف - نیست ولی ملاک آن بحث در مصدر هم جاری است. چراکه: مصدر بر مصدر جری می شود بدون اینکه ذات به مبدء متصف شده باشد. (چراکه یک کار خارجی هم مصداق ساختن است و هم مصداق اضرار است) ولی بحث از اینکه آیا اضرار فعلی است که بالفعل مضر است یا فعلی است که در حال یا در سابق مضر بوده باشد، می تواند در مصدر هم جاری شود. پس می توان گفت - با توجه به سخن مرحوم اصفهانی - مصدر مفهومی است که انتزاع می شود از فعلی (ذات) به ملاحظه اتحاد آن فعل با مبدء.

و لذا اگر عنوان بحث را چنین بگیریم: «مشتق مفهومی است که انتزاع می شود از ذاتی (اعم از اعیان و افعال) به ملاحظه اتحاد با مبدء و یا اتصاف به مبدء.» می توان مصادر را هم داخل در عنوان بحث قرار داد. (۵) به همین بیان می توان بحث را در فعل هم جاری کرد. در همان مثال سابق ابتدا می توانیم بگوئیم زید ساخت و زید ضرر زد ولی وقتی ساختن ضرری نیست: آیا می توانیم بگوئیم: «زید ساخت و زید ضرر زد».

در اینجا «ضرر زد» را نمی توان حمل بر «زید ساخت» کرد و لذا این مشتق (فعل) جری بر ذات نمی شود - و لذا با تعریف نخستین مشتق، فعل از بحث خارج است - ولی ملاک در فعل هم جاری است. پس در افعال، تعریف ابتدایی مطرح شده درباره مشتق صدق نمی کند ولی همان ملاک در افعال هم جاری است.

